

در تعیین کیفر اشد اشکالی که پیش می آید این است که کدام کیفر اشد از دیگری است و چه مقیاسی برای این تشخیص باید در نظر گرفت.

با مراجعه بطرز نگارش مواد قانون کیفر همگانی مطلب روشن می شود بدین طریق که ماده ۷ قانون کیفر همگانی مجازات ها را از حیث شدت و ضعف به چهار نوع تقسیم نموده :

جنایت - - جنحه مهم - جنحه کوچک (تقصیر) و خلاف . بنابراین در صورتی که در دادنامه محکومیت کیفر هائی از دو درجه مختلف (مثلا درجه اول و دوم) تعیین شده باشد کیفر درجه بالاتر اجرائی گردد.

در صورتی که کیفر های تعیین شده در دادنامه از يك درجه باشند مثلا کیفر های جنائی یا جنحه فقط باشند باز ترتیبی را که قانون گذار در نگارش کیفر ها در هر ورقه معمول داشته باید رعایت کرد - چنانچه شخصی محکوم بحبس موقت با اعمال شاقه و حبس مجرد گردیده باشد چون در ماده ۸ قانون کیفر حبس موقت با اعمال شاقه مقدم بر حبس مجرد قرار گرفته است لذا حبس موقت با اعمال شاقه که کیفر اشد است در باره محکوم اجرا میشود .

محسن محمودی

اجتماعی بهتر تطبیق می نماید. در این مورد قانونگذار می تواند در تعدد بزه مقدار کیفر ها را محدود کرده و با تعیین حدی مانع از زیاد شدن غیر عادلانه مدت کیفر شود . قوانین کیفری امروزه بیشتر باین سیستم گردیده اند. در مورد کیفر های تریبی و تزدیلی قوانین جدید اعمال تمام کیفر ها را رد کرده و فقط در مورد کیفر های سبک تر آنرا قبول کرده اند. ولی در هر دو حال با تعیین حدودی برای آن کیفر را عادلانه ساخته اند .

بطور کلی در مورد تعدد حقیقی بزه ها اصل کلی این است که تمام کیفر های تعیین شده برای بزه های ارتكابی در باره محکوم اجرا نشوند ولی در بزه های خلافی این اصل در نظر گرفته نمی شود زیرا کیفر های خلافی (حبس تکدیری و غرامت) بقدری کوچک و بی اهمیت اند که جمع آن با سایر کیفر ها تولید اشکالی نخواهد نمود .

بهر حال موقعی که دو یا چند بزه با یکدیگر جمع شوند که هر دو جنحه و یا جنائی و یا جنحه و جنائی با هم باشند يك کیفر اجرا خواهد شد و آن کیفر اشد است . ولی در صورتی که بزه ها جنحه یا جنائی و خلاف باشند کیفر جنحه و یا جنائی و کیفر خلاف هر دو اجرا خواهد شد .

بحث در قوانین تجاری انگلستان

-۱۶-

علیه) واقع شده بود عادتاً کالای مطلوب خود را بشخص دیگری بنام (بروکل هارست) سفارش می داده اتفاقاً در مرتبه اخیر که سفارش جان میرسد مصادف با همان روزی می شود که (بروکل هارست) باشگاه خود را

از جمله مواردی که دادگاه انگلیس به ابطال قرار داد رای میدهد هنگامی است که سهو در باره طرف معامله حاصل شده باشد - در یکی از دعاوی متشابه سال (۱۸۵۷) شخصی بنام جان که طرف خواننده (مدعی

شخص دیگری بنام (بولتون) وا میگذارد و بک بر این بجای آن که [بروکل هارست] سفارش مطابوب جان را انجام دهد شخص (بولتون) انجام می دهد و در دادگاه بولتون خواهان بود و بهای کالا را از جان مطالبه می کرد - دادگاه چنین رای داد که چون بولتون طرف قرار داد نبوده دعوای او بر علیه جان پذیرفته نیست .

در يك دعوای متشابه دیگر سال (۱۸۹۹) خواهان [مدعی] شخصی بود از سود خواران نامی که پولی بوام میداد و بده کاران را بخاک سیاه مینشانید و بهمین سبب مردم از او گریزان بودند و او نیز خود را بنامهای ساختگی و گوناگون معرفی می نمود تا وامخواهان وی را نشناخته از معامله با او پرهیزند - در این وهله هم شخص وامخواه را بنام عوضی خود فریفته بود و حال آن که هر گاه وامخواه که (استریت) نام داشت بی دانست طرف او واقعاً کیست راضی بمعامله با او نمیشد دادگاه چنین رای داد که قرار داد بر علیه وامخواه قابل اجرا نمیشد زیرا هنگام عقد قرارداد او نمی دانسته است که با کدام شخص وارد معامله شده است - مورد دیگری که سهو طرفین را دادگاه انگلیس مورد توجه قرار میدهد و در نقض قرار داد مؤثر می شمارد هنگامی است که يك شخص نا بینا یا بی سواد سندی را امضا می کند در حالی که مفاد آن را چیزی غیر از آنچه که حقیقتاً میباشد نزد خود می پندارد و وجهه فنی یعنی شرعی ابطال قرار داد در این قبیل موارد از لحاظ دادگاه مبتنی بر این اصل است که شرط مقدماتی هر قرار دادی توافق فکر و مغز طرفین است در موضوع واحد و حال آن که در این موارد فکر امضاکننده غیر از فکر طرف میباشد .

در يك دعوای متشابه سال (۱۸۶۹) پیر مرد ناتوانی که دیدگانش کم فروغ شده بود نوشته ئی را امضا کرده

بود بی آنکه بداند آن نوشته عبارت از برات نامچه ئی است که امضاء می کند - دادگاه پیر مرد را بدلیل سهو و اشتباه مسئول برات ندانست .

در مواردی که قرار داد از جهاتی موضوع سهو و اشتباه واقع شده باشد بحدی که موجب مداخله مقامات قانونی شود - هر گاه هنوز هیچ کاری از لحاظ اجرای قرار داد انجام نشده است دادگاه انگلیس طرفین را بموقعیتی که قبل از انعقاد قرار داد داشته اند بر میگرداند مثل آن که قرار دادی هنوز میانه آن ها بسته نشده است و اما هر گاه قرارداد بمرحله اجرا وارد شده مثل آن که پولی میانه طرفین رد و بدل شده باشد دادگاه امر باسترداد پول میدهد ولیکن هر گاه طرفین مایل بقطع معامله نباشند دادگاه انگلیس بجای آنکه قرارداد را ابطال کند امر بتصحیح می دهد بنوعیکه هر گونه سهو و اشتباهی واقع شده است اصلاح و معامله طبق نظر و قصد واقعی طرفین صورت پذیرد

اغراق و توصیف بیجا - در معاملات و قرار داد ها غالباً میانه طرفین يك رشته گنگو و مذاکراتی بعمل می آید - از لحاظ قوانین انگلیس هر گونه اظهارات یا توصیفات واهی نسبت بموضوع معامله مادام که ثابت نشود که مبتنی بر قصد و عمد بوده است موجب نقض قرار داد نخواهد شد - معذک در بعضی قرار دادها از جمله در مورد بیمه منتهای صداقت و حقیقت گویی ضروری میباشد و در قانون انگلیس این قبیل قرار دادها را اصطلاحاً قرار داد های حسن نیت مینامند زیرا صدق و خوش نیتی طرفین لازم و ملزوم اجرای آنها میباشد در این موارد هر گاه معلوم شود توصیفات واهی و بیانات غیر واقع بمیان آمده بوده بر فرض آنکه ثابت گردد که توصیف کننده خودش نیز از واهی بودن اظهاراتش بی خبر بوده است قرار داد قابل الفامی شود و در این جا اصل قانونی که بالا یاد شد استثناء پیدا

می کند و دلیل داد گاه در نقض قرار داد این است که طرفی که از قرار داد زیان برده در نتیجه آن توصیفات واهی که وی را از تحقیق و شناسائی کامل موضوع باز داشته است رضایت بانعقاد قرار دادی داده است که بر کیفیتش واقف نگشته و حال آن که موجب خسارت وی بوده است.

با این حال برای آن که اغراقگویی یا توصیفات واهی و اظهارات بیجا موجب نقض يك قرار داد گردد ثبوت چند چیز لازم است نخست آن که معلوم شود اظهارات و توصیفات واهی مربوط بموضوع اصلی قرار داد و واقعاً واهی بوده دوم آن که اظهار کنندۀ آن ها یکی از طرفین قرارداد باشد

سوم آنکه طرف دیگر قرارداد فقط باتکای آن اظهارات واهی در قرار داد شرکت جسته و زیان دیده است دعوا هائی که بعلمت توصیفات واهی پیدا می شود در انگلستان بسیار است زیرا با آنکه شخص احتیاط کار لازم است در معاملات خود هر گونه دقت و واری را که مقتضی است بعمل آورد گاه چنان پیش می آید که شخص باتکای صمیمیت و صداقت طرف وارد معامله می شود و ممکن است طرف او مثلاً راجع به کالائی که میخواهد بفروشد توصیف بسیار نماید و تمجید و تعریف کند و نیتش هم پاک باشد یعنی واقعاً معتقد باشد که کالای او مرغوب و اعلی و سزاوار تمجیداتی است که می نماید با این حال چنان نبوده و تمجیداتش بی اساس باشد در این مورد البته قانون نمی تواند خسارت خریدار را جبران کند و داد گاه انگلیس فروشنده را با آن که توصیفاتش واهی بوده مسئول خسارت خریدار نمیشناسد پس لازم است که طرف یا طرفین پس از بررسی و شناسائی کامل موضوع معامله با دیدگان گشاده وارد قرار داد شوند این است که یکی از دادرسان نامی

انگلیس بیازر گانان توصیه می نماید که لااقل توصیفات طرف را در قرار داد گنجانیده و شرط معامله قرار دهند و در رسیدگی بدفتر ها و نرخ های بورسی و ورود به راه هائی که طبیعاً مورث کشف حقیقت و روشن شدن کیفیات موضوع می شود مسامحه و غفلت ننمایند و گرنه داد گاه انگلیس نمی تواند بفتح طرفی که از قرار داد زیان برده است دعوا را مورد توجه قرار دهد.

بنا بر رای داد گاه انگلیس سال (۱۹۰۵) سکوت یکی از طرفین در کیفیات و شرایطی که طرف دیگر می خواهد حمل بر سوء نیت نمی شود چنانچه هر گاه خریدار بگوید من کالائی می خواهم که چنین و چنان باشد و این کالای شما را چون دارای همان شرایط است یا اگر دارای همان شرایط است میخرم و فروشنده در پاسخ خاموش مانده فقط بتسلیم کالا و انجام معامله بپردازد. این سکوت دلیل بر سوء نیت نیست و خریدار نمی تواند بر علیه فروشنده دعوی نماید

بنابر روشی که داد گاه انگلیس از خود نشان داده دعوائی که مبتنی بر توصیفات واهی بوده هر گاه در داد گاه پذیرفته شده غالباً بفسخ قرارداد بر گردانیدن طرفین بموقعیتی که قبل از انعقاد قرار داد داشته اند منجر شده است ولیکن چنین دعوائی باید هر چه زودتر بقاصله کمی بعد از معامله و کشف غیر واقع بودن کیفیات موضوع بداد گاه ارجاع شود - هر گاه توصیفات واهی مربوط باموری باشد که پیش از انعقاد قرار داد واقع گشته است طرف خواهان می تواند بجای آن که فسخ قرار داد را بخواهد دعوی غرامت نماید

تقلب و فریب

بنا بر قانون عرف عام انگلیس هر گاه توصیفات واهی که یکی از طرفین قرارداد اظهار نموده است قصدی و عمدی بوده و معلوم شود که گوینده و توصیف کننده بخوبی می دانسته است که آنچه میگوید حقیقت ندارد

و راست نیست و یا معلوم شود که خود گوینده یقین نداشته است که آنچه می گوید درست است یا نادرست و یا از روی بی اعتنائی و تسامح نخواستہ است بدانند که آنچه می گوید بحقیقت مقرون است یا مقرون نیست عمل او عنوان تقلب و فریب پیدا می کند

این اصل از قانون عرف عام طی عمل کاملاً روشن گردیده و مخصوصاً در دعوائی که سال (۱۸۸۹) بر علیه مدیران شرکت تراموای شهری اقامه شد حکم صادر از مجلس لردها مورد اجرای آن را نشان داد. در آن دعوا مدیران شرکت متهم بودند باینکه عمداً اظهارات واهی نموده و خریداران سهام را فریب داده اند زیرا اعلام داشته اند که شرکت آنها حق دارد در راه بردن تراموای بجای برق از قوه بخار که پر صرفه تر است

استفاده نماید

لرد هرشل پیشوای دادگاهها طی حکم خود اعلام داشت که مدیران کمپانی واقعا معتقد بوده اند که طی امتیاز این اختیار بآنها داده شده و اظهارات آن هاز روی شرافتمندی بوده و بنابراین هر چند که مقرون به حقیقت نبوده است اما مشمول تقلب و فریب نمی باشد بعدها در سال (۱۹۲۹) این قانون عرفی بوسیله یک لایحه مصوب مجلس عوام انگلستان ترمیم یافت و طبق لایحه اخیر هرگاه از طرف مدیران يك شرکت اظهاراتی شود که خواهان ادعای واهی بودن آنها را امید بر عهده خود مدیران است که طرف خواننده می باشند که ثابت نمایند اظهارات آن ها واقعیت داشته و یا آن ها دلایل حق و موجبات حقوقی داشته اند که چنان اظهارات با توصیفات بنمایند

رحیم زاده صفوی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی